

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: رایبر روپ  
برگردان: سعید عطاپور  
۱۶ جولای ۲۰۲۲

## تولید سالانه مهمات در امریکا تنها برای ده روز جنگ در اوکراین کفایت می کند

حجم بالا و میزان مصرف زیاد مهمات و تجهیزات ارتش اوکراین می تواند تنها توسط یک زیرساخت بزرگ صنعتی تأمین گردد و حالا که این زیر ساختها تخریب شده اند، اوکراین برای دریافت کمک به غرب متوسل شده است. اما در غرب هم سالهاست که دیگر چنین ظرفیت صنعتی برای تأمین نیازهای جنگی با گستردگی حضور صدها هزار سرباز وجود ندارد

یکی از بزرگترین اشتباهات سیاستگذاران ایالات متحده/ناتو و "کارشناسانی" که به آنها مشاوره می دهند، این است که آنها اقتصاد روسیه، عمق و انعطاف پذیری و مقاومت فوق العاده آن را کاملاً دست کم گرفته اند و حتی اکنون نیز همچنان از پیش داوری های احمقانه خود مبنی بر این که روسیه تنها "یک پمپ بنزین مجهز به راکت های هسته ای" است" خلاص نمی شوند. مفسرانشان هم می گویند که اقتصاد روسیه بزرگتر از اقتصاد تگزاس یا بلجیم نیست، و اینجا سؤالاتی وجود دارند که باید جواب داد، آیا روسیه غیر از گاز و نفت چیز دیگری هم تولید می کند که بتواند آن را صادر کند.

با این حال، این افراد هرگز از خودشان نمی پرسند که برنامه فضائی روسیه چقدر بزرگ است، این کشور چند تحت البحری هسته ای تولید می کند، سالانه چند ایستگاه مترو، فرودگاه یا پل جدید در روسیه ساخته و افتتاح می شوند، چه نوعی از هواپیماها و یا کامیون ها در روسیه تولید می شوند، و یا چه حجمی از مواد غذایی تولید و صادر می شوند؟ در عوض، مقایسه های احمقانه با شاخص های (مجازی) انجام می دهند که قادر به سنجش قدرت اقتصاد واقعی روسیه نبوده بلکه تصویری تحریف شده از آن را ارائه داده و قبل از هر چیز باد هوایی تولید می کنند که به مثابه ثروتی موهومی در سیستم بانکی و مالی بیش از حد تصور متورم غربی انباشت شده است.

اگر آنها مداوم به جای سر و کله زدن با مباحث مضحک تولید ناخالص داخلی (GDP) بر مبنای محاسباتی دالر-روبل، مراجعه به تولید واقعی اقتصاد روسیه را به عنوان مبنای مقایسه مورد استفاده قرار می دادند، آنوقت سیاستمدارانی که به این مسائل علاقه مندند، مدت ها قبل متوجه می شدند که اقتصاد روسیه تقریباً خودکفاء و مستقل و برپای خود استوار است. اما از جنگ طلبان ایالات متحده/ناتو نمی توان انتظار چنین اندازه از درایت عقل و شعور را داشت، به خصوص اگر توجه به این موضوع باعث تخریب ایمان و اعتقادشان به پروپاگاندای خودشان شود. و بنابراین آنها کماکان بر این

اعتقاد راسخ هستند، که اقتصاد گویا ضعیف "پمپ بنزین مجهز به تسلیحات هسته‌ای" روسیه تحت تحریم‌های غربی بزودی در هم فرو می‌پاشد و اگر تا کنون چنین امری محقق نشده است، حال باید چند تحریم دیوانه بار دیگر هم اضافه بر آن اعمال شوند، که - همانطور که تا همین حالا نیز می‌توان نتایج آن را دید - در درجه اول اقتصاد اتحادیه اروپا را نابود کرده و روسیه را تقویت می‌کنند.

اندیشکده-اتاق فکر- معروف نیروی هوایی ایالات متحده "RAND" بر اساس این تصور غلط حتی یک ستراتیژی کامل برای نابودی روسیه طراحی و تنظیم کرده است. رند در گزارشی بسیار مبسوط از سال ۲۰۱۹ بر این نکته تکیه می‌کند، که "بزرگترین آسیب‌پذیری روسیه" از قرار معلوم در اقتصاد تک بعدی آن نهفته است، اقتصادی که در مقایسه نسبتاً کوچک است و کاملاً به صادرات انرژی به غرب وابسته است و به این خاطر به واسطه تحریم‌ها براحتی نابود خواهد شد.

اما علی‌رغم تمام جنجال‌های بازار داغ پروپاگاندا جنگی و اخبار جعلی درباره اوکراین و روسیه، هر از چند گاهی و گاه هم برای علاقه‌مندان به تحلیلهای نظامی که در لابه لای سایتهای تخصصی در جست و جوی شمائی از حقیقت هستند، که در دوران جنگ همانند آهویی ترسان بندرت قابل رؤیت و دسترسی است، شانس رؤیت آن در یک رسانه تخصصی به دست می‌آید. در مورد معین این پرونده نظامی مورد بحث مربوط به گزارشی است که اخیراً در وب سایت اندیشکده پیشکسوت ارتش بریتانیا، یعنی مؤسسه سرویس متحد سلطنتی، راسی Royal United Services (RUSI) منتشر شده است، که در آن به بررسی عمق ستراتیژیک صنایع دفاعی غرب و روسیه می‌پردازد. این مقاله به قلم الکس ورشینین نویسنده راسی «بازگشت جنگ صنعتی» نام دارد و نویسنده با انجام این بررسی نه چیزی بیشتر و نه چیزی کمتر از شاه کلید اصلی درک از مسیر کنونی جنگ و روند آینده جنگ در اوکراین و حتی فراتر از آن را نیز به ما ارائه نمی‌کند.

ورشینین در بررسی خود خط تأکیدی به زیر این واقعیت می‌کشد، که جنگ در اوکراین ثابت کرد که دوران جنگاوری صنعتی هنوز به پایان نرسیده است، زیرا کاربست انبوهی از انواع سلاح‌های سنگین، وسایل نقلیه و مهمات و تأمین آنها وجود یک زیربنای بزرگ صنعتی بزرگ را ملزوم می‌دارد. در اینجا ورشینین به یادآوری فرمول معروف نظامی روسیه اهمیت می‌دهد: «کمیت همیشه کیفیت مختص به خود را دارد» آنهم موقعی که صحبت از تأمین صدها هزار سرباز رزمنده در میدان نبرد می‌شود. او در این زمینه ارقام جالبی را در مورد توازن قواء در جنگ اوکراین بیان می‌کند. بر این اساس، اوکراین در آغاز جنگ ۲۵۰.۰۰۰ سرباز را در خدمت داشت و بعد از آن نیز اخیراً با بسیج ۴۵۰.۰۰۰ نفر دیگر- اما آموزش ندیده - این مجموعه را به تعداد اولیه سربازان اضافه کرده است. به گفته ورشینین، در مقابل آنها ۲۰۰.۰۰۰ سرباز روس و متحدان آنها از جمهوری‌های خلق دنباس صف کشیده‌اند.

حال خواننده باید در اینجا لحظه ای مکث کند. اگر این اعداد صحیح باشند و من هم دلیلی برای بی‌اعتمادی به اعداد ارائه شده از سوی راسی نمی‌بینم، به خصوص اگر در نظر داشته باشیم، حتی اگر این ارقام تصویر بدی از اوکراین تحت الحمايه بریتانیا ارائه می‌دهند، آمار نشان دهنده آنست، که اوکراین علی‌رغم برتری عددی سنگینش بر نیروهای مسلح روسیه و جمهوری‌های متحد محلی اش در شرف شکست کامل در نبرد دنباس هستند یا شاید تا کنون شکست هم خورده‌اند.

در علوم کلاسیک نظامی نقطه حرکت از فرمول برتری حداقل سه به یک در نسبت نیروی مهاجم در برابر نیروهای مدافع که در تأسیسات مستحکم سنگر گرفته‌اند، می‌باشد، تا شانس برای موفقیت برای عملیات نیروهای مهاجم موجود باشد. (۱) اما در دنباس، این نسبت معکوس است، چرا که نیروهای روس از لحاظ تعداد در موقعیت پائینتری قرار

دارند. آنها با یک نیروی اعزامی که متشکل از نیروهای حرفه‌ئی از ارتش دائمی است می‌جنگند، نیروئی که از میان یک ارتش عمومی در زمان صلح بیرون آمده است.

خلاف اوکراین روسیه برای جنگ بسیج نکرده است و نتیجه آن این شده است، که در عمل در روند ادامه جنگ عملاً حدود ۶۵۰.۰۰۰ سرباز اوکراینی در مقابل جمعی ۲۰۰.۰۰۰ نفره از سربازان روس و متحدانش قرار گرفته است ولی اوکراین با وجود حمایت غرب شکست می‌خورد. دلیل این امر در "هنر جنگ صنعتی" نهفته است که روسها کاملاً بر آن مسلط هستند، (۲) در حالی که همزمان زیرساخت صنعتی اوکراین تا کنون ویران شده است و (به موازات) ایالات متحده و سایر کشورهای ناتو ظرفیت سنتی تولید و ذخیره مهمات و قطعات یدکی خود را نیز از دست داده اند. چرا که آنها در اقتصادشان روش قدیمی و گران تولید را با روش ارزان‌تر سفارش «فرآیند تولید به موقع» JUST IN TIME طاق زده اند.

در ادامه نویسنده ورشینین توضیح می‌دهد، که چرا تأمین این ارتش‌ها با صدها هزار سرباز و هزاران توپ و تانک و غیره، با اسلحه، مهمات، قطعات یدکی، سوخت، روغنهای موتور، مواد غذایی، داروها و غیره کاری بسیار سترگ است. تأمین مهمات برای اوکراین به ویژه به مراتب دشوارتر شده است، چرا که روس‌ها با امکاناتی که در اختیار دارند، با حملات راکتی با دقت نقطه زنی بالا در اعماق حریم اوکراین، نه تنها صنایع نظامی محلی، بلکه انبارهای مهمات، مراکز تقاطع لجستیک و شبکه‌های حمل و نقل را نیز نابود کرده اند.

هر چند ارتش روسیه نیز از برخی حملات و اقدامات خرابکارانه برون مرزی اوکراین متحمل آسیب‌هایی شده است، اما این ضربات در حکم نیشهایی بیشتر نبودند و با تلفات تاریخی و عظیم اوکراین به هیچ وجه در تناسب نیست.

حجم بالا و میزان مصرف زیاد مهمات و تجهیزات ارتش اوکراین می‌تواند تنها توسط یک زیرساخت بزرگ صنعتی تأمین گردد و حالا که این زیر ساختها تخریب شده اند، اوکراین برای دریافت کمک به غرب متوسل شده است. اما در غرب هم سالهاست که دیگر چنین ظرفیت صنعتی برای تأمین نیازهای جنگی با گستردگی حضور صدها هزار سرباز وجود ندارد، چرا که در ۳۰ سال گذشته غرب، امریکا/ناتو توان و آمادگی خود را فقط صرف درگیری‌هایی با شدت کم و علیه قدرت‌های نظامی درجه سوم معطوف کرده بود، که در آن نیروی هوایی ایالات متحده و نه نیروی زمینی بیشترین بار عملیاتی را متحمل شد. به گفته ورشینین، واقعیت نبرد اوکراین اما هشدار می‌دهد به کشورهای غربی با ظرفیت‌های نظامی-صنعتی تقلیل یافته آنها داد. در حال حاضر حتی ممکن است غرب اصلاً ظرفیت صنعتی لازم برای پیشبرد یک جنگ زمینی را در مقیاس وسیع هم نداشته باشد.

در ادامه ورشینین به مصرف فعلی مهمات در نبردهای اوکراین می‌پردازد. هر چند که نه نیروهای مسلح اوکراین و نه روسیه اطلاعات دقیق مصرف مهمات خود را منتشر نمی‌کنند. اما از طریق مجاری جانبی خبری، به طور مثال با استفاده از داده‌های مأموریت آتشباری اعلام شده رسمی، (fire mission data) که توسط وزارت دفاع روسیه در کنفرانسهای مطبوعاتی روزانه اعلام می‌شوند، می‌توان مصرف مهمات روسیه را تحت مفروضات مختلف محاسبه کرد و یا حداقل در محدوده‌های معینی تخمین زد.

ورشینین وارد جزئیات بسیار دقیق و زیادی در مورد میزان مهماتی که توسط یک واحد توپخانه روسی متشکل از شش عراده در طول یک مأموریت آتشباری شلیک می‌کند می‌شود. سپس او به انواع مختلف عملیات آتشباری با میزان مصرف متفاوت هر کدام از آنها را مورد بحث قرار می‌دهد. بر اساس برآوردهای ورشینین او به مقدار مصرفی روزانه ۷.۱۷۶ گلوله برای همه درگیری‌های آتشباری می‌رسد، هر چند که او تأکید می‌کند، که این رقم در پائینترین

سطح خود برآورد شده است، تازه در این میان مصرف مهمات توپخانه‌های نیروهای مسلح دو جمهوری دنباس، دونتسک و لوگانسک هم توسط وزارت دفاع روسیه گزارش نمی‌شوند.

ارقام تهیه شده توسط نویسنده مربوط به نیروهای مسلح روسیه بی‌نقص نیستند، اما تصویری از مشکل لجستیکی برای این نبرد را ترسیم می‌کنند. سپس ورشینین ارقام تولیدی ایالات متحده برای مهمات توپخانه‌های مختلف را با آن ارقام مقایسه و بررسی می‌کند. وی خاطر نشان می‌کند که در سال‌های اخیر ایالات متحده ذخایر مهمات توپخانه‌ئی خود را کاهش داده است. در سال ۲۰۲۰، خرید مهمات توپخانه با ۳۶ درصد کاهش به ۴۲۵ میلیون دلار رسید. برنامه خرید برای سال ۲۰۲۲ حاوی کاهش خرید گلوله‌های توپخانه‌ئی ۱۵۵ میلی‌متری به ارزش ۱۷۴ میلیون دلار یا ۷۵.۳۵۷ گلوله "ترکشی" M795 برای توپخانه معمولی بود. به این تعداد ۱.۴۰۰ گلوله XM1113 برای هویتزرهای بسیار تحسین شده M777 اضافه می‌شود، که قبلاً به اوکراین تحویل داده شده است به اضافه ۱.۰۴۶ گلوله XM1113 و ۴۲۶ گلوله "هوشمند" با هدایت دقیق Excalibur هم جزو این خرید حساب می‌شوند.

ورشینین با کنار هم گذاشتن این داده‌ها به این نتیجه تکان دهنده برای همه کارشناسان ایالات متحده/ناتو می‌رسد، که تولید سالانه مهمات توپخانه‌ئی آمریکا در بهترین حالت برای نبرد شدید در اوکراین برای ده روز تا دو هفته کفایت می‌کند.

به گفته ورشینین، ایالات متحده تنها کشوری نیست که با این مشکل مواجه است. در یک شبیه‌سازی جنگی اخیر که شامل نیروهای آمریکائی، بریتانیائی و فرانسوی بود، ذخائر ملی مهمات حیاتی نیروهای بریتانیا تنها پس از هشت روز به ته کشید. اتفاقاً این شبیه‌سازی یادآور جنگ تجاوزکارانه انگلیس و فرانسه در سال ۲۰۱۱ علیه لیبیا شد، که در آن بدون هر گونه تحریکی از جانب لیبیا از سوی متجاوزان آنگلو-فرانک صورت گرفت، که در طی آن این تجاوزگران پس از چند روز تمام مهمات نقطه زن خود را بدون به دست آوردن هیچ موفقیت چشمگیری برای انهدام سامانه دفاع هوائی لیبیا به هدر شلیک کردند. آنها برای ادامه جنگ برای کمک تدارکاتی به ایالات متحده متوسل شدند، بعد از آن آمریکا به خاطر اصرار هیلری کلینتن، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده برای ورود به جنگ خود به یک طرف جنگ تبدیل شد.

ورشینین ادامه می‌دهد که وضعیت تأمین و عرضه ایالات متحده برای ضد تانک دوش پرتاب و راکت‌های ضد هوائی مانند جاولین و استینگر هم خیلی بهتر از مهمات توپخانه نیست. ایالات متحده ۷.۰۰۰ راکت جاولین را به اوکراین ارسال کرده است - حدود یک سوم موجودی خود - و محموله‌های بیشتری نیز قرار است ارسال شوند. اما لاکهید مارتین، سازنده جاولین، می‌تواند تنها حدود ۲.۱۰۰ راکت در طول سال تولید کند و با تحقق پیش شرطهای لازم تازه بعد از چند سال می‌تواند این رقم را به ۴.۰۰۰ عدد در سال افزایش دهد. در حالی که اوکراین ادعا می‌کند روزانه ۵۰۰ عدد راکت جاولین مصرف می‌کند. این عدد مطمئناً صحیح نیست، اما حتی اگر اوکراین فقط ۵۰ جاولین در روز شلیک کند، این کشور کل تولید سالانه ایالات متحده آمریکا را در عرض تنها هفت هفته جنگ به هدر می‌دهد. اما بیش از هر چیز به نظر می‌رسد ورشینین به طرز خاصی تحت تأثیر میزان استفاده از راکت‌های کروزر و راکت‌های بالستیک تاکتیکی توسط نیروهای مسلح روسیه قرار گرفته است. بر اساس آمار وی، روس‌ها تاکنون بین ۱.۱۰۰ تا ۲.۱۰۰ راکت شلیک کرده‌اند. در مقایسه در حال حاضر ایالات متحده آمریکا سالانه ۱۱۰ راکت کروزر PRISM، ۵۰۰ راکت JASSM و ۶۰ راکت Tomahawk خریداری می‌کند. به گفته نویسنده، این بدان معناست که روسیه در جریان سه ماه نبرد چهار برابر تولید راکتی سالانه ایالات متحده را استفاده کرده است.

البته نرخ تولید راکت‌ها در روسیه را فقط می‌توان تخمین زد. روسیه تولید این نوع راکت‌ها را در آغاز به تعداد محدودی در سال ۲۰۱۵ آغاز کرد، حتی در سال ۲۰۱۶ نیز تعداد راکت‌های تولید شده به ۴۷ عدد برآورد شد. این بدان معناست که تنها در پنج تا شش سال گذشته تولید راکت‌های روسیه در سطح بالایی شروع شده است.

تعداد ذخیره اولیه راکت‌های روسیه در فیبروری ۲۰۲۲ (شروع جنگ) مشخص نیست، اما با توجه به مصرف تا کنونی این راکت‌ها و در نظر گرفتن نیاز به ذخیره ذخایر قابل توجهی در صورت وقوع جنگ با ناتو، به نظر نمی‌رسد که روس‌ها نگرانی ویژه‌ای از این بابت داشته باشند تا مجبور به صرفه‌جویی در به کار بردن راکت‌ها شوند. در واقع به نظر می‌رسد که آنها به اندازه کافی راکت‌های کروز در اختیار داشته باشند، که حتی آنها را علیه اهداف تاکتیکی حتی در سطح عملیاتی محدود نیز به کار می‌گیرند. بنا به گفته ورشینین، این فرض که روسیه ۴۰۰۰ راکت کروز و راکت بالستیک در انبارهای خود ذخیره دارد، «غیر معقول نیست». و با وجود تحریم‌های غرب احتمالاً تولید این راکت‌ها افزایش هم خواهد یافت. به عنوان نمونه در ماه حمل سال جاری (اپریل) شرکت روسی ODK Saturn که موتورهای راکتی مدل کالیبر را تولید می‌کند، به دنبال استخدام ۵۰۰ کارگر ماهر دیگر بود.

پیامد و نتیجه‌گیری تمام اینها آن است که در یک جنگ طولانی، بزرگ و متعارف بین دو رقیب هم قدرت، برنده آن کسی خواهد بود که قوی‌ترین زیرساخت‌های صنعتی را در کشور خود داشته باشد و نه تولید خود را بر روی تدارکات برون‌سپاری شده «فرآیند تولید به موقع» JUST IN TIME، که احتمالاً حتی بخشی از آنها در کشورهای غیردوست تولید می‌شوند، که برای دریافت آنها کلی انتظار باید کشید، استوار کرده باشد. کشور شما [موقع ورود به چنین جنگی] یا باید ظرفیت تولیدی برای تولید مقادیر انبوه از مهمات را داشته باشد یا صنایع تولیدی دیگری را داشته باشد که می‌توانند به سرعت به صنایع تولید مهمات تبدیل شوند. (۳)

خوشبختانه به نظر می‌رسد که دولت‌های امپریالیستی استثمارگر غربی و جنگ‌طلبان دیگر از این قابلیت‌ها برخوردار نیستند.

راینر روپ/۲۷ جون ۲۰۲۲

### توضیحات مترجم:

این نظریه در مورد قانون نسبت قوای مهاجم در مقابل مدافعان را تا کنون تمام کارشناسان نظامی معتبر از آکادمیهای نظامی غرب، به جز پروپاگاندیست‌هایی که از ام-آی-سیکس و سیا پیروی می‌کنند، در تحلیل نبرد اوکراین و اهداف جنگی روسیه به کار برده‌اند، صرف نظر از آن که تحلیل و یا نتیجه‌گیری مطلوب سیاسی آنها چگونه باشد. م

۱. وجود این سنت و تسلط روسها بر این "هنر جنگ" در جوار روحیه "موقع پیشروی امکان مرگ وجود دارد، اما هنگام فرار مرگ حتمی است" و قهرمانی بی نظیر برای نجات بشریت نه تنها موجب موفقیت ارتش اتحاد جماهیر شوروی در مقابل منظم‌ترین ماشین جنگی تمام تاریخ در جنگ جهانی دوم گردید، بلکه در تمام دوران جنگ سرد مانع از شروع جنگ تاکتیکی ناتو علیه اتحاد جماهیر شوروی گردید. سازماندهی تولید، روغنکاری و استفاده بیش از ۷۰۰۰۰۰ تانک به عنوان نیروی بازدارنده در مقابل ناتوی تجاوزگر درستی خود را ثابت کرد.

۲. در میان کشورهای اروپائی عضو ناتو آلمان تنها کشوری است که در سالهای گذشته با توسعه زیرساخت‌های تولیدی و ترابری بدون استفاده مفید یا کم استفاده (تولیدی یا ترابری با ظرفیت استفاده دومانظوره) در این موقعیت قرار دارد. از اینرو برای روسیه دور داشتن این کشور از دسترسی سریع به سوخت مورد نیاز و مواد خام اولیه مورد نیاز برای تولید جنگی از اولویت اساسی برخوردار است، آلمان تنها کشور عضو ناتو است که علاوه بر ظرفیت تولیدی، از ظرفیت

پرسنلی، فنی و تجربیه تاریخی لازم برای به راه انداختن عظیمترین ماشین تولید جنگی در کوتاه ترین زمان لازم برخوردار است. به همین خاطر بخش عمده ای از این ظرفیت تولید جنگی در بسیاری از کشورهای دیگر به خاطر محدودیتهای وارده از سوی امریکا به صورت پروژه های محلی در حال عملکرد است. از موفقترین نمونه های آن صنعت تانک سازی و تولید توپخانه ترکیه، تانک کوریای جنوبی و... می باشد. امری که امریکا نیز دقیقاً به آن

حساسیت دارد. -م

.۳ +++

<https://de.rt.com/meinung/142066-jahresproduktion-von-us-munition-reicht/>